

گواهان رستاخیز و ادله

مأده پسر کلو^۱، علی اکبر محمدی^۲

^۱ گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

^۲ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

نویسنده مسئول:

مأده پسر کلو

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۱۹ / بهار ۱۳۹۹ / ص ۲۳-۳۵

چکیده

از اعتقادهای مهم مسلمانان، حسابرسی اعمال انسان در روز قیامت است. از آنجا که خداوند حکیم برای حسابرسی بندگان با عدالت رفتار می کند، علاوه بر این که خود ناظر و شاهد اعمال انسان است، شاهدان دیگری نیز در دنیا قرار داده تا ناظر اعمال انسان باشند و در روز رستاخیز بر اعمال انسان شهادت دهند. این نوشتار درصدد آن است با بررسی ادله عقلی و نقلی، گواهان رستاخیز را به روش توصیفی کتابخانه‌ای بیان نماید. با توجه به آیات و روایات، خداوند متعال، پیامبران و به خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فرشتگان ثبت اعمال انسان از جمله شاهدان بیرونی و اعضا و جوارح و تجسم اعمالی که انسان مرتکب آن ها شده است، از گواهان بیرونی روز قیامت هستند. تنوع و تعدد گواهان در روز رستاخیز به حدی است که موجب می شود مجرم چاره‌ای جز اعتراف نداشته باشد. همچنین با توجه به دلیل عقلی و برهانی، مبنی بر این که افعالی، که از انسان صادر می شوند از بین نرفته و باقی می مانند، خود شاهدانی در روز قیامت به حساب می آیند. ادله عقلی و نقلی حاکی از حضور حتمی و قطعی شاهدان در روز رستاخیز دارد. یافته‌های پژوهش نشان می دهد گواهان روز حسابرسی اعمال انسان بیش از آن چیزی است که در اکثر کتابها و مقاله‌ها آمده است و می توان نتیجه گرفت که آدمی هیچ گاه نباید احساس رهایی کند، بلکه موجودات بسیار فراوانی مراقب اعمال بوده و به در رستاخیز گواهی خواهند داد.

واژگان کلیدی: گواهان رستاخیز، ادله نقلی، دلیل عقلی

۱. مقدمه:

برخی می‌پندارند در دنیا "رها" شده‌اند و تحت مراقبت هیچ موجودی قرار ندارند و از نیت‌ها و کارهای آنان کسی آگاه نیست. با چنین پنداری، احساس رهایی کامل نموده و آنچه را خود بدان میل دارند، انجام می‌دهند. اما اگر بدانند و باور داشته باشند که به طور دایم تحت مراقبت نه فقط یک دوربین مدار بسته، بلکه دوربین‌های مدار بسته‌اند و نه تنها کارهای ظاهری آدمی را ضبط و ثبت می‌کنند، بلکه به خلوت‌گاه‌ها نفوذ نموده و حتی از نهان انسان نیز باخبرند، و از این طریق می‌توان مچ هر آدم خلاف کاری گرفت، چنین فردی همواره از خود مراقبت نموده و مرتکب کارهای خلاف نمی‌گردد. دین مبین اسلام، گرچه آدمی را از نعمت آزادی برخوردار می‌داند، اما هیچ‌گاه وی را رها فرض نمی‌کند بلکه، گواهان فراوانی شاهد اعمال انسان می‌باشند تا به هنگام حساب‌رسی کارها در روز قیامت، گواهی دهند. « شما اگر بدانید که مراقب دارید قهراً در کارهای خود تجدید نظر می‌کنید یک وقت انسان باید رقیب خود باشد که اهل مراقبه است یک وقت می‌داند که رقیبی دارد و این مراقبه‌المراقبه است یک وقتی مراقب خودش باشد که بد نکند یک وقتی باید بداند که مراقب هم دارد مراقب خود باشد که بد نکند مراقب خود باشد که هر چه کرد ضبط کند مراقب خود باشد که سود و زیان خود را به محاسبه بسپارد و مانند آن اینها برای مراقبه است ولی اگر بداند که رقیبی دارد این مراقبه‌المراقبه است یعنی علم دارد که رقیبی او را مراقبت می‌کند و ذات اقدس الهی مراقب بودن خود را در قرآن بیان کرد فرمود: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق / ۱۴) مگر اینها نمی‌دانند که خدا می‌بیند (أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى) برای آن است که در انسان علم ایجاد کند به مراقبه‌الله که خدا مراقب انسان است و اگر کسی بداند خدا رقیب اوست قهراً هم اهل مراقبه خواهد بود هم اهل علم به مراقبه‌المراقبه» (جوادی آملی، درس تفسیر سوره مبارکه آل عمران، جلسه ۲۰۲)

یکی از اصلی‌ترین اعتقادات درهمه‌ی ادیان الهی و توحیدی، اعتقاد به معاد و زنده شدن انسان در عالم قیامت است. با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، انسان پس از ارتحال از دنیا، منازل و موافقی را می‌گذراند که به ترتیب عبارت از منزل مرگ، قبر و برزخ، قیامت، نفخ صور، حساب‌رسی بندگان، صراط، بهشت و جهنم و اعراف است. (خسروپناه، ۱۳۹۲، ج ۳: ۴۵۳) حساب‌رسی به اعمال بندگان و رسیدگی به کارهای خلایق در دادگاه خداوند متعال، از جمله، مهم‌ترین مرحله‌ی قیامت است و به خاطر اهمیت فراوان این مرحله، در قرآن به "یوم الحساب" نام گرفت. (ص: ۱۶ و ۲۶). هنگام حساب‌رسی اعمال و برپایی دادگاه عدل الهی، چهار عنصر اساسی نقش آفرینی می‌کنند که عبارتند از "کتاب و نامه اعمال"، "میزان"، "شاهدان" و "تجسم اعمال". (همان: ۴۶۲). رسالت رساله حاضر، بررسی و تبیین ادله شاهدان و گواهانی است که در دادگاه الهی حاضر می‌شوند و از اعمال انسان خبر می‌دهند. حکمت و عدالت خدای تعالی ایجاب می‌کند شاهدانی بر عمل‌کرد آنها قرار دهد تا جزئی‌ترین اعمال را ثبت و ضبط نمایند و با حضور در دادگاه عدل الهی شهادت دهند.

با توجه به گرایش آدمی، به خصوص در عصر مدرن، به دنیا و هواهای نفسانی و غفلت بیش از پیش از قیامت و حساب‌رسی دقیق اعمال و نیز حضور شاهدان و گواهان در رستاخیز، اهمیت بحث و جایگاه آن معلوم و مشخص می‌شود

نوشته‌ها و مقاله‌هایی به بررسی موضوع گواهان در روز رستاخیز پرداخته است که از جمله‌ی آنها می‌توان به مقاله‌ی آقای محسن میرباقری، درباره‌ی شاهدان روز قیامت و به خصوص شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اشاره کرد. همچنین در مقاله‌ی آقای عبدالله الهی خواه، به ذکر شاهدان پرداخته و توضیحاتی درباره‌ی شهادت هر یک بیان نموده است اما به نظر می‌رسد هم‌چنان جای تحقیق و پژوهش در این عرصه باز است به خصوص آن که در اکثر آنها به دلیل عقلی اشاره نشده و فقط به دلیل نقلی اکتفا شده است.

۲. ادله گواهان و شاهدان روز رستاخیز

ادله‌ی گواهان رستاخیز را می‌توان به دو قسم عقلی و نقلی تقسیم کرد.

۱- دلیل عقلی

اگرچه عمده ترین ادله شهادت شاهدان روز قیامت، از آیات و روایات استفاده می‌شود، اما می‌توان به مدد عقل، ارائه برهان نمود. این برهان دارای چند مقدمه است:

۱. از مسلمات ادیان الهی و به خصوص دین مبین اسلام آن است که معاد ارتباط تنگاتنگی با حقیقت انسان دارد و هر چند انسان موجودی دو ساحتی و مرکب از بدن مادی و حقیقتی به نام نفس یا روح آدمی است، اما شخصیت و حقیقت انسان به "روح" اوست که در تمام دوران عمر، حقیقت آن ثابت و با متلاشی شدن بدن باقی است. در لحظه مرگ نیز فرشته وحی آن را از انسان می‌ستاند و دوباره بدن مادی به آن حقیقت ثابت ملحق می‌شود و آدمی پس از مرگ با بقا روح، جاودان و ابدی می‌گردد.

۲. مهم ترین عنصر در حساب‌رسی انسان در روز قیامت، حضور حقیقت و ذات انسان است؛ چرا که با انتقای آن، اصل حساب‌رسی نیز منتفی می‌گردد.

۳. حضور حقیقت و ذات انسان در دادگاه عدل الهی بدون در نظر گرفتن صفات و ویژگی‌های ذاتی آن معنا نخواهد داشت؛ چرا که نمی‌توان ذات را از صفات ذاتی آن جدا کرد. صفاتی که انسان در اثر کارها و افعالی که در دنیا داده است، با او عجین شده و از صفات ذاتی وی محسوب می‌گردد.

۴. هنگام حضور حقیقت انسان (روح)، در دادگاه عدل الهی به همراه افعالی خواهد بود که با ارتکاب آنها شخصیت، حقیقت و صفات او را ترسیم نموده است.

در نتیجه می‌توان گفت یکی مهم‌ترین گواهان و شاهدان آدمی در روز رستاخیز و به هنگام حساب‌رسی اعمال، افعال و کارهای او است. یعنی همان کارهایی که در دنیا مرتکب آنها شده است، در روز قیامت حاضر می‌شوند و بر علیه انسان شهادت می‌دهند. علامه طباطبایی در این مورد می‌نویسد:

«آنچه را که در مورد شهادت شاهدان گفته شد از راه برهان نیز می‌توان اثبات نمود، زیرا که: هر رابطه و نسبتی که بین اعمال و اشیا، تحقق یابد عین آن رابطه و نسبت، بین آن شیء و ذات [عمل کننده] نیز به وجود خواهد آمد، زیرا که اعمال از تنزلات ذوات و وجودشان قائم به ذوات است. بنابراین با بقای ذات، صادرهای ذات نیز به حسب نوع تحقیقی که دارند، باقی می‌مانند و با بقای «صادرهای» نسبتی که بین آنها و اشیا تحقق یافته، بقا و دوام می‌یابد و باز به علت بقای نسبت‌ها، اشیا نیز باقی می‌مانند؛ چون وجود نسبت‌ها، وجود «رابط» هستند و بدون طرفین، تحقق نمی‌یابند. و با حیات ذات، اعمال و نسب و اشیا نیز حیات خواهند داشت و با حضور آنها (ذوات) در پیشگاه حق تعالی به تمام ذات، و شهادتشان نسبت به آنچه که در نزدشان هست، توابع ذات نیز چنین خواهند کرد [در نزد حق حاضر شده شهادت می‌دهند].» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۵۸)

۲-۲-۲- ادله ی نقلی

بر طبق آیات و روایات، می‌توان گواهان رستاخیز را به شاهدان درونی و بیرونی تقسیم کرد: خداوند متعال، پیامبران الهی علیهم السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه معصومین علیهم السلام، فرشتگان، زمین، زمان، مکان و قرآن گواهان بیرونی هستند و اعضای بدن و تجسم اعمال در زمره ی گواهان درونی محسوب می‌شوند.

گواهان بیرونی

- ۱- خداوند متعال
- ۲- پیامبران الهی
- ۳- پیامبر اکرم (ص)
- ۴- امامان معصوم علیهم السلام
- ۵- فرشتگانی که گواه هستند
- ۶- زمین
- ۷- مکان
- ۸- زمان
- ۹- قرآن کریم

گواهان بیرونی

- ۱- گواهی اعضاء و جوارح
 - ۲- تجسم اعمال
- گواهان و شاهدان بیرونی

۲-۲-۱- گواهی خداوند متعال

گرچه گواهی دادن خداوند به عنوان خالق و آفریدگار تمامی موجودات و عالم پیدا و پنهان، خود به تنهایی بالاترین گواهی می باشد، «ولی هر چه تعداد گواهان بیشتر باشد مومنان سرافراز تر و متخلفان شرمنده تر می شوند» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۲۷۰). و از سوی دیگر، از آنجا که خداوند و دادگاه وی سراسر عدل و داد است، گواهان دیگری در دادگاه عدل الهی حاضر می شوند تا گناهکاران اعتراضی به عدل خداوندی نداشته باشند

اولین، بزرگ‌ترین و بالاترین گواه اعمال انسان در روز قیامت، خداوند متعال است که بر همه چیز آگاه بوده و دانای آشکار و نهان است. قرآن می‌فرماید: «قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ» (انعام/ ۱۹)؛ "بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (و خودت پاسخ بده و) بگو: «خداوند»" نکته قابل توجه آن‌که خدای سبحان از یک طرف شاهد اعمال بندگان در دنیا است و از طرف دیگر بر اعمال بندگان در روز قیامت گواهی می‌دهد و از سوی سوم قاضی و حاکم است و بین بندگان بع عدالت حکم و قضاوت می‌کند. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (حج/ ۱۷)؛ "خداوند در میان آنان روز قیامت داور می‌کند؛ (و حق را از باطل جدا می‌سازد) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است."

آیات و روایات بسیاری درباره‌ی شاهد و گواه بودن پروردگار متعال از احوال تمامی موجودات و از جمله انسان خبر می‌دهند: ۲-۱-۲- «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ» (آل عمران/ ۹۸)؛ "بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می‌دهید!"

در آیه فوق خداوند به پیغمبر گرامی فرمان می‌دهد که با زبان توبیخ و سرزنش از اهل کتاب، که منظور در اینجا یهود است، پرسد انگیزه آنها در کفر ورزیدن به آیات خدا چیست؟ در حالی که می‌دانند خداوند از اعمال آنان آگاه است. «وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۲)

واژه‌ی "شاهد" بر وزن فعلیل صیغه مبالغه است و در این آیه بر خلاف کلمه "شاهد"، موجب شدت تأکید بر توبیخ است. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۲۰) "شاهد" در قرآن، گاهی به معنای شاهد (اسم فاعل) و زمانی به معنای مشهود (اسم مفعول) است، در آیه فوق با توجه به حرف "علی" که به معنای علو و برتری است، به معنای شاهد می‌باشد. ثمره و نتیجه شهود باری تعالی بر اعمال انسان آن است که به هنگامه حسابرسی اعمال، بر آن گواهی دهد.

"واو" در جمله "وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ" حالیه است و شدت در توبیخ و ملامت را می‌رساند. (همان) و معنای آیه چنین خواهد بود: ای اهل کتاب در حالی که خدا به طور یقین شاهد بر اعمال شما است، پس چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید.

«چنانچه کسی بپندارد دیگران از اسرار و مطالب او اطلاع پیدا نمی‌کنند، به راحتی راه حق پوشی و انکار و کفر را در پیش می‌گیرد، اما اگر توجه کند که خدا از اسرار او آگاه است و چیزی از او پنهان نمی‌ماند، معمولاً حق را نمی‌پوشاند و آیات الهی را انکار نمی‌کند و کفر نمی‌ورزد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۹۶)

۲-۱-۲- آیه‌ی «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس/ ۶۱)؛ "و در هیچ کاری نباشی و از سوی او [خدا] هیچ [آیه‌ای] از قرآن نخوانی و هیچ کاری نکنید مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم آن‌گاه که بدان مبادرت می‌ورزید و هم‌وزن ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست و نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن چیزی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است."

«"شهود" جمع "شاهد" در اصل به معنی حضور توأم با مشاهده با چشم و یا قلب و فکر است، و تعبیر به جمع اشاره به این است که نه تنها خدا بلکه فرشتگانی که فرمانبردار او هستند و مراقب اعمال انسان‌ها می‌باشند نیز از همه این کارها با خبرند و شاهد و ناظرند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۲۶-۳۲۷)

در این آیه خداوند با بیانی جزئی‌تر مبنی بر گواه بودن خود از اعمال انسان می‌فرماید: در هیچ کاری نباشی، هیچ آیه‌ای از قرآن را نخوانی الا این‌که خداوند شاهد و ناظر آن است. و هیچ چیزی حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز از او پوشیده و پنهان نیست.

«خدا هم از نیت‌ها و افکار انسان باخبر است، هم سخنان او را می‌شنود و هم اعمال او را می‌بیند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۰۷-۱۰۸)

۲-۲-۲- گواهی پیامبران علیهم السلام

از دیگر شاهدان روز رستاخیز، پیامبران علیهم السلام هستند که در آیات قرآن و روایات به آن اشاره شده است. برخی از این آیات و روایات عبارتند از:

۲-۱-۲- آیه‌ی «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء/ ۴۱)؛ "حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می‌آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟"

در این آیه اشاره شده که در روز قیامت از هر امتی فردی به عنوان گواه، بر اعمال افراد امت، گواهی خواهد داد. از آن جا که گواهی دادن باید دارای شرایطی مانند حاضر و ناظر بودن فرد و علم داشتن به اعمال افراد، حتی در زمانی که در حضور وی نیستند، دارد؛ پس این فرد باید از صالحان و شایستگان امت باشد و چه کسی از پیامبر هر امتی شایسته‌تر؟! بنابراین گواه هر امتی پیامبری است که برای هدایت مردم آمده است. به عنوان مثال، در قرآن به شاهد بودن حضرت عیسی علیه السلام اشاره شده است؛ اما تا زمانی که آن حضرت در میان امت خود حاضر بوده و ناظر اعمال آن هاست.

در کتاب احتجاج در ضمن نقلی طولانی گفتگویی بین امیرالمومنین علیه السلام و زندیقی که مدعی است که تناقض در قرآن کریم وجود دارد و دلیل ایمان نیاوردن خود را همین تناقض بیان می کند، از زندیق بیان آیه را می خواهند و در جواب می فرمایند: در روز محشر پیامبران محشور می شوند و از آن ها پرسیده می شود که رسالت خود، که تبلیغ دین به امتشان بوده است را انجام داده اند؟ همچنین از امت ها این سوال، پرسش می شود. در این هنگام امت می گویند: پیامبری به سوی ما نیامده تا هشدار و بشارت دهد. اینجاست که پیامبران از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، گواهی بر اعمال خود را می خواهند و ایشان گواهی می دهند که: خداوند این رسولان راست می گویند و بشارت و هشدار داده اند. (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۳۴)

۲-۲-۲- آیه ی «وَيَوْمَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَتَزَلَّنا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۸۹) - بیاد آورید روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها معبوث می کنیم، و تو را گواه آنها قرار می دهیم، و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

«در جمله "وَيَوْمَ نُبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا" از سیاق آیه به دست می آید که مراد از این "یوم" روز قیامت و مراد از این "شهداء" که خدا هر یک را از یک امتی معبوث می کند، گواهان اعمال است که حقایق اعمال امت خود را ضبط کرده اند، و در آن روز از ایشان استشهاد می شود، و ایشان شهادت می دهند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۵۹)

هرگاه پیامبر بر علیه امت خویش شهادت دهد، خداوند بر طبق گواهی و سخن او عمل می کند و به امتش اجازه ی عذر و بهانه نمی دهد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۸۴۱)

بعضی از مفسرین گواه را پیامبر امت یا مومن عارف می دانند که به کردار زشت امت گواهی خواهد داد. (طبرسی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۱۴: ۳۴) «با اینکه علم خدا به همه چیز احاطه دارد، اما وجود این گواهان مخصوصا از کسانی که از میان خود امتها برخاسته اند تاکید بیشتری بر نظارت دائمی بر اعمال انسان ها است، و هشداری است بر این مراقبت قطعی و همیشگی.

گرچه این حکم عام شامل مسلمانان و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز می شود، ولی برای تاکید بیشتر خصوصا آن را مطرح کرده می فرماید: "و ما تو را شاهد و گواه بر این گروه مسلمانان قرار می دهیم" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۳۵۹)

ناگفته پیداست که کسی از میان هر امت شهادت خواهد داد که معصوم باشد و از خطا و گناه مبرا باشد تا گواهی دادن او مورد قبول خداوند منان باشد. این شخص کسی جز امام یا پیامبر علیهم السلام که معصوم از خطا و گناه هستند، نخواهد بود. از طرفی پیامبر اکرم (ص) گواه همه ی پیامبران است و کتاب او نیز کتابی جامع برای همه ی عصر ها و نیاز های بشر می باشد.

۲-۲-۲- گواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۲-۲-۲- آیه ی «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳)؛ "همان گونه (که) قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است."

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گواه و شاهد بر همه گواهان (رسولان الهی) در روز رستاخیز

در این آیه به صراحت اعلام شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت، بر اعمال امت خود گواهی می دهد

علاوه بر پیامبر، امت میانه که در ادامه مورد بحث قرار می گیرد، امامان معصوم علیهم السلام را شامل می شود که آن ها نیز گواه بر مردم هستند و پیامبر (ص) بر آنان نیز گواه است. و مومنین آن است که قبل از آن بر اعمال بندگان گواه و شاهد باشند، سپس آنچه را مشاهده نمودند را بازگو کنند و به آنها خبر دهند.

۲-۲-۲- آیه ی «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۰۵)؛ "بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد»"

رسول خدا و مومنان به عنوان شاهد بر مردم هستند، سپس، نزد خداوند شهادت می دهند، خداوند مردم را به وسیله شهادت این گواهان، نسبت به اعمالشان آگاه می کند. این آگاه کردن عین آگاه کردن خود خداوند است و اداء شهادت رسول خدا و مومنین عین شهادت خود خداوند است. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۳ ق: ۱۱۴)

در تفسیر عیاشی آمده است: «عن الباقر علیه السلام: ما من مؤمن يموت أو كافر يوضع في قبره حتى يعرض عمله على رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و على أمير المؤمنين عليه السلام و هلم جزأ إلى آخر من فرض الله طاعته على العباد فذلك قوله و قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲: ۳۷۴)

در کتاب بحار الانوار آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ» (توبه/۱۰۵) قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ شَهِيداً فِي أَرْضِهِ، وَإِنْ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تَعَرَّضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۲۸۶) - امام صادق (ع) می فرمایند: همانا برای خداوند شهادی در زمین است و اعمال بندگان به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عرضه می شود.»

امام خمینی (ره) در سخنانی در رابطه با این آیه ی مبارک می فرمایند: طبق برخی از روایات، اعمال به رویت رسول خدا و ائمه معصوم (ع) می رسد. اگر ببینند که اعمال شما آکنده از گناه و خطاست چقدر ناراحت می شوند؟ نخواهید که قلب ایشان محزون و خاطرشان مکدر گردد و نزد خدا و ملائکه خجل شوند. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۴۸)

۲-۳-۳- آیه ی «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً.» (نساء/۴۱) - حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟ مفسران قرآن آیه ی فوق را چند گونه تفسیر کرده اند:

الف) واژه ی «شاهد» در آیه ی فوق به معنای شهادت عملی است؛ یعنی هر پیامبری با صفات ممتاز خود، الگو، نمونه و معیار سنجش اعمال امت خویش است.

و از آن جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بزرگ ترین پیامبر الهی است صفات و اعمال او مقیاس سنجش شخصیت تمام پیامبران است.

ب) واژه ی «شاهد» در آیه ی فوق به معنای گواهی دادن است. مقصود آن است که هر پیامبر و شهادی، زمانی که در میان مردم است، شاهد و ناظر اعمال آنان است و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز شاهد اعمال امت خویش و یا شاهد بر پیامبران و گواهان گذشته است.

در روایات نیز درباره ی گواه بودن پیامبران و به خصوص پیامبر اکرم (ص) از حضرات معصومین علیهم السلام سخنانی گفته شده است، من جمله در کتاب کافی آمده است:

«مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ، عَنْ سَمَاعَةَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً.

قَالَ: «نَزَلَتْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) خَاصَّةً، فِي كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِمَّنْ شَهِدَ عَلَيْهِمْ، وَ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فِي كُلِّ قَرْنٍ شَهِيدٌ عَلَيْهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۱۹۰) - در کافی - حضرت صادق علیه السلام فرمود: نازل شده در باره امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاصه، در هر قرنی از ایشان امامی از ما شاهد است بر ایشان، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شاهد است بر ما

۴- آیه ی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (زمر/۶۹-۷۰) - و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و میان آنها بحق داوری می شود و به آنان ستم نخواهد شد!

در آیه ی فوق نسبت به حضور شاهدان اعمال در روز قیامت با ماضی مجهول "جیء" آورده شد. این کلمه به معنای تحقق و واقع شدن کاری است. بنابراین "جیء" بالشهداء یعنی این که شاهدان روز قیامت برای ادای شهادت آمدند.

امیر مومنان با بیانی شیوانی در تایید گواه بودن پیامبر (ص) می فرماید: «خَازِنُ عِلْمِكَ الْمُخَزُونِ وَ شَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ وَ بَعِيْثُكَ بِالْحَقِّ وَ رَسُولُكَ إِلَى الْخَلْقِ

پرچم های حق را بر افراشت و احکام نورانی را بر پا کرد، پس او پیامبر امین، و مورد اعتماد، و گنجینه دار علم نهان تو، و شاهد روز رستاخیز، و بر انگیزته تو برای بیان حقائق، و فرستاده تو به سوی مردم است.» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۱۰۱)

۱. گواهی ائمه معصومین علیهم السلام

امامان معصوم (ع) نیز از دیگر شاهدان روز رستاخیز هستند که در دنیا ناظر اعمال انسان هستند و در قیامت در کنار شهادت خداوند متعال و پیامبران و رسول اکرم (ص) و دیگر شاهدان که در ادامه ی مطلب ذکر می شوند، به اقامه ی شهادت می پردازند. آیات و روایات بسیاری صدق این گفتار را تایید می کنند که در ادامه چند مورد بیان می شود:

۱- «آیه ی وَ قُلْ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» - بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد! (توبه/۱۰۵)

نویسنده ی کتاب منهج الصادقین، مراد از کلمه ی مومنون را ائمه ی معصوم (ع) دانسته است که بر اعمال افراد آگاه هستند. و در ادامه می گوید: مفسران معنای کلمه ی مومنون را امامان معصوم علیهم السلام می دانند. (کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۹)

در این آیه اشاره می شود که هم خدای متعال و هم پیامبرش و هم مومنان اعمال را می بینند و مراد از اعمال، هم اعمال آشکار و هم اعمال پنهانی است، از آنجا که اعمال پنهان بندگان را افراد خاص می بینند و اعمال افراد از سایر مومنان پنهان است، روشن می شود که لفظ مومنان در این آیه به افرادی همچون علی بن ابی طالب که جانشین به حق رسول اکرم هستند، اشاره دارد. پس مراقب اعمال خود باشید که رسول خدا و ائمه (ع) را نرنجانید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۳۰۳)

در تفسیر الصافی آورده شده: «و عن الرضا عليه السلام: أنه قيل له ادع الله لي ولأهل بيتي فقال أ و لست أفعل و الله إن أعمالكم تعرض علي في كل يوم و ليلة قال فاستعظمت ذلك فقال أما تقرأ كتاب الله فقال و قل اعملوا فسيري الله عملكم و رسوله و المؤمنون قال هو و الله علي بن أبي طالب.» (فيض کاشانی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۲: ۳۷۳)

طبق این روایت حضرت در جواب کسی که می گوید حضرت برایش دعا کنند می فرماید مگر دعا نمی کنم؟ در ادامه حضرت می فرماید به خدا قسم که اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می شود و در ادامه ی سخنانشان به همین آیه استناد می کنند که آیا در کتاب خدا نخوانده اید و قل اعملوا فسيري الله عملكم و رسوله و المؤمنون و می فرمایند معنای کلمه ی مومنون به خدا قسم علی بن ابی طالب است.

در کتاب بحارالانوار آمده است: «سَمِعْتُ يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْإِفْرِيقِيَّةِ - مَا حَالُ رَاشِدٍ قَالَ خَلَفْتُهُ حَيًّا صَالِحًا - يُفَرِّقُكَ السَّلَامُ قَالَ رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ مَاتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ مَتَى قَالَ بَعْدَ خُرُوجِكَ بَيَوْمَيْنِ - قَالَ وَ اللَّهُ مَا مَرَضَ وَ لَا كَانَ بِهِ عِلَّةٌ - قَالَ وَ إِنَّمَا يَمُوتُ مَنْ يَمُوتُ مِنْ مَرَضٍ وَ عِلَّةٍ - قُلْتُ مَنْ الرَّجُلُ قَالَ رَجُلٌ لَنَا مَوَالٍ وَ لَنَا مُحَبَّبٌ - ثُمَّ قَالَ أ تَرَوْنَ أَنْ لَيْسَ لَنَا مَعَكُمْ أَعْيُنٌ نَظِرَةٌ وَ أَسْمَاعٌ سَامِعَةٌ - بَلَى مَا رَأَيْتُمْ - وَ اللَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْنَا شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِكُمْ - فَاحْضَرُونَا جَمِيعًا وَ عَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ الْخَيْرَ - وَ كُونُوا مِنْ أَهْلِهِ تَعْرِفُوا - فَإِنِّي بِهِذَا أَمْرٍ وَلَدِي وَ شِيعَتِي» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۴۶: ۲۴۴) - ابو بصیر گفت امام به مردی از اهل افریقا گفت راشد چطور است آن مرد پاسخ داد خوب سلام بشما رسانده امام فرمود خدا رحمتش کند. عرض کرد مگر مرد؟ فرمود آری. پرسید کی؟ پاسخ داد دو روز پس از حرکت تو. گفت عجب نه مرضی داشت و نه مبتلا به دردی بود. فرمود هر کس میمیرد یا به مرضی دچار می شود و یا علتی دارد. من عرض کردم آن مرد که بود؟ فرمود یکی از دوستان و علاقمندان بما سپس فرمود شما خیال میکنید کسی نیست متوجه شما باشد و سخن شما را بشنود بد خیالی کرده اید بخدا قسم هیچ یک از اعمال شما مخفی از ما نیست بدانید ما همیشه متوجه شما هستیم سعی کنید خود را عادت دهید بکار خوب تا به همین امتیاز شناخته شوید من فرزندان خود و شیعیانم را باین کار سفارش میکنم

در روایت فوق به روشنی بیان می دارد هر کسی در هر مکانی باشد - چه نزدیک و چه دور - در منظر حضرات معصومین علیهم السلام است. آنان چشم خدای تعالی هستند که با آن می بینند و آنچه را که دیده اند را در روز قیامت گواهی می دهند.

۲- آیه ی «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا.» (نساء/۴۱) - حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا قَالَ نَزَلَتْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ ص خَاصَّةً فِي كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِمَّا شَاهَدَ عَلَيْهِمْ وَ مُحَمَّدٌ ص شَاهِدٌ عَلَيْنَا» - سماعه گوید: امام صادق (ع) در تفسیر قول خدای عز و جل (۴۵ سوره نساء): «پس چطور است گاهی که بیاوریم از هر امتی گواهی (برای آن امت) و تو را به گواهی بر اینان احضار کنیم» فرمود: در باره امت محمد (ص) بخصوص نازل شده، در هر قرنی از ایشان امامی باشد از ما که گواه است بر ایشان و محمد (ص) گواه است بر خود ماها. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۹۰)

از آنجا که صاحب عصر (عج) آخرین ذخیره ی الهی در روی زمین و به عنوان آخرین امام، شاهد و نظر بر اعمال بندگان هستند، این مهم را باید در نظر داشت که اعمال افراد به حضور مبارک ایشان عرضه میشود. چنانکه خود حضرت در سخنان گهربارشان می فرمایند: «ما از لغزشهایی که از برخی شیعیان سر می زند از وقتی که بسیاری از آنان میل به بعضی از کارهای ناشایسته ای نموده اند که نیکان گذشته از آنان احتراز می نمودند و پیمانی که از آنان برای توجّه به خداوند و دوری از زشتی ها گرفته شده و آن را پشت سر انداخته اند اطلاع داریم، گویا آنان نمی دانند که ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می آورد و دشمنانتان، شما را از میان می بردند» (طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۶۵۱)

۲. گواهی فرشتگان

از شاهدان دیگری که در روز قیامت، نسبت به اعمال انسان شاهد هستند، فرشتگان هستند. در آیات قرآن به این مسئله که فرشتگانی در دنیا در مرتبه های گوناگون، مراقب اعمال انسان هستند اشاره شده و آنها را ناظر اعمال بندگان معرفی کرده است. از جمله آیات ذیل:

۱- «وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَعْمَلُونَ» - و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده ... والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)، که می دانند شما چه می کنید. (انفطار ۱۰/ ۱۲)

از آیه ی فوق استفاده می شود که فرشتگان از اعمال انساناگاه و باخبرند. حال سوالی مطرح می شود که این آگاهی فرشتگان در کجا استفاده می شود؟ پاسخ آن است که از آن برای گواهی در روز قیامت استفاده می کنند. اگر کسی کاری خوب انجام داد که مرضی رضای خدای تعالی باشد، بر آن گواهی می دهند و گار مورد غضب باری تعالی باشد بر آن نیز شهادت می دهند.

واژه «کرام» بدین معناست که آنان نیرومند و امین هستند و وظیفه خود را به بهترین نحو، انجام می دهند. این فرشتگان که نگهبان اعمال انسان هستند هم اعمال نیک و هم اعمال بد بندگان را می دانند و نمی توان از آنها پنهان نمود. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸، ۶۰)
«وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ» و البته نگهبانانی هستند از فرشتگان که آنچه شما عمل کنید از طاعات و معصیتها حفظ میکنند برای شما. آن گاه خداوند فرشتگان حافظ را توصیف نموده و فرمود:

(کراماً) فرشتگانی که بر پروردگارشان بزرگوارانند (کاتبین) نویسندگانی که اعمال فرزندان آدم را مینویسند.
(يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ) میدانند آنچه میکنید از خوبیها و بدیها. پس برای شما آن را مینویسند که چیزی از آنها بر شما مخفی نماند.
(طبرسی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ۳۵۴)

«مراد از کتابت در کلمه "کاتبین" نوشتن اعمال است، به شهادت اینکه می فرماید: "يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ" (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۷۱):

-آیه ی «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ» (ق/۲۱) هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است! از معنای این کلمه می توان استنباط کرد که فرشته ای که سائق خوانده می شود انسان را به حرکت وادار می سازد. و فرشته ای دیگر نیز که شاهد اعمال انسان بوده است حاضر می شود که هم شاهد اعمال انسان بوده و هم آن ها را ثبت و ضبط کرده است. پس می توان گفت: فرشته ای که مامور بردن انسان به محشر است در پشت او قرار می گیرد. مانند مجرمی که در دنیا با ماموری که از پشت سر، مراقب اوست و اگر حرکت نکند، او را وادار به حرکت می کند، سائق نیز همین گونه است.
با توجه به اینکه سائق انسان را به سمت حساب سوق می دهد، راه فراری برای آدمی باقی نمی ماند. همچنان که با حضور فرشته ی ناظر و گواه اعمال، انکار نیز غیرممکن خواهد بود. «از ام سلمه منقولست که او گفت من از رسول خدا شنیدم که فرمود: مراد از سائق در این آیه منم و مراد از شهید علی بن ابی طالب». (کاشانی، ۱۳: ج ۹: ۱۲ و اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۲۳۹)

۳. گواهی زمین

از دیگر شاهدانی که بر علیه گناهکاران شهادت می دهند، زمین است. زمینی که فرد انجام دهنده ی اعمال به روی آن راه می رود و تمام دوران زندگی را روی آن گام بر می دارد، در روز قیامت به خواست و اراده ی خداوند، آنچه که روی آن اتفاق افتاده را بازگو می کند و شهادت می دهد به آنچه که افراد انجام داده اند.

۱- «آیه ی يَوْمَئِذٍ تَحْدُثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» (زلزله / ۴ و ۵)- در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند. چرا که پروردگارت به او وحی کرده است.

زمین به اراده ی خداوند مانند فردی که در دادگاه به عنوان شاهد حضور پیدا می کند و آنچه را که دیده بازگو می کند، هر اتفاقی که روی آن رخ داده را بازگو می کند. مانند فردی که تمامی ماجرای را به چشم خود دیده، زمین هم درباره ی تمامی اتفاقاتی که روی زمین رخ داده و انسان ها انجام داده اند، تحمل شهادت می کند.

"حدث" به معنای ظاهر کردن و بیرون انداختن است. که ی زمین هم در روز قیامت اخباری را که در خود پنهان کرده است بیرون می اندازد. (پهبودی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۴۹)

از زمانی که زمین آفریده شده، تا زمانی که ائقال خود را خارج کند، و زمین دیگری شود، زمینی نورانی و پاک؛ آنچه را که در این مدت بر آن گذشته و حوادث و اتفاقاتی را که در خود جای داده، همه را بیان می کند. "بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا" برای این است که خداوند بر زمین وحی کرده است و از علم خود به زمین فهمانده است. پس از این که زمین به امر الهی دانا شد می تواند حوادث و وقایعی را که در گذشته اتفاق افتاده بیان کند و اسرار درون خود را آشکار کند. (طهرانی، ج ۷: ۲۶۴)

حدیث کردن زمین به معنای تکلم کردن زمین مانند انسان نخواهد بود، زیرا موجودات عالم هر کدام به نحوی دارای شعور و فهم هستند؛ اما سخن گفتن فقط به شیوه انسان نیست. به عنوان مثال زمانی که حیوانی با صدایش به ما می فهماند که غذا می خواهد مانند ما تکلم نکرده، اما ما مقصود او را دریافته ایم؛ یا صدای شخص ترسیده و سخن گفتن او با شخصی که عصبانی است یکسان نیست. سخن گفتن و حدیث کردن زمین نیز مانند سخن گفتن انسان نیست و با زبانی گوشتی سخن نمی گوید. حدیث کردن زمین به معنای نشان دادن است. نشان دادن آنچه که در آن اتفاق افتاده و اعمالی که از انسان ها سر زده است. حکایت می کند از آنچه را خداوند به او وحی کرده را ارائه می دهد؛ به طوری که صاحبان آن آنرا مشاهده کنند. (همان: ۲۶۶)

۴. گواهی مکان

مکان ها نیز مانند زمین بر علیه انسان و اعمال وی شهادت می دهند. همانطور که زمین آگاه و ناظر اعمال انسان است، پس مکان ها نیز که روی زمین بنا شده اند به اذن خداوند ناظر اعمال آدمیان هستند و در روز رستاخیز محل شهادت می کنند و گواهی می دهند که چه اعمالی در آن ها انجام شده است. چرا که انسان در مکان خاصی اعمالش را انجام می دهد که جایی دارد. این محل نیز مانند سایر شهدا مانند زمین و اعضای بدن که به اذن خداوند گواهی می دهند، به عنوان شاهد بر آنچه در آن محل انجام شده اقرار می کنند.

در روایتی آمده: «سَأَلَ أَبُو كَهْمَسٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ يَصْلَى الرَّجُلُ نَوَافِلَهُ فِي مَوْضِعٍ أَوْ يَفْرُقُهَا قَالَ لَا بَلْ هَاهُنَا وَ هَاهُنَا فَإِنَّهَا تَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۳) - ابو كهمس از حضرت ابا عبد الله عليه السلام سؤال کرد و عرض نمود: آیا شخص نمازهای نافله اش را در یک جا بخواند یا آنها را توزیع و تفریق بین اماکن نماید؟

حضرت فرمودند: در یک جا نخواند بلکه آنها را آن جا، آن جا بخواند یعنی بین اماکن توزیع نماید زیرا این اماکن روز قیامت به نفع او شهادت می دهند. از این رو بهتر است انسان نماز های مستحب را در مکان های مختلف بخواند، اگر در خانه نماز مستحبی می خواند، به یک مکان خاص اکتفا نکند.

حجرالاسود نیز که به عنوان یک سنگ برای آدمیان شناخته می شود، در زمره ی گواهان محسوب می شود. همانطور که در حدیث از امام صادق (ع) نقل شده است: «لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ أَشَدُّ حُبًّا لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْهُ فَلِذَلِكَ اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ فَهُوَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنٌ نَاطِرَةٌ لِيَشْهَدَ لِكُلِّ مَنْ وَ أَفَاهُ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ حَفِظَ الْمِيثَاقَ.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۵: ۱۸ و صدوق، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۳۱) - و در میان فرشتگان هیچ فرشته ای نبود که محبتش از آن حجر به محمد و آل محمد بیشتر باشد، و بر این اساس خداوند او را از میان سائر فرشتگان اختیار کرد و میثاق را به او داد، پس حجر الاسود در روز قیامت می آید در حالی که زبانی دارد گویا و چشمی بینا و گواهی میدهد برای هر کسی که به او در این مکان برخورد کرده است و به نزد او آمده است و عهد و میثاق را در نزد او استوار نموده است.

۵. گواهی زمان

زمان نیز مانند مکان و زمین از دیگر شاهدان دادگاه الهی است. همانطور که هر کاری که از انسان سر می زند در محلی است، دارای یک بُعد دیگر نیز می باشد و آن هم زمان است. و به اذن خداوند زمان هم گواهی دیگر بر اعمالی است که از انسان سر می زند. در حدیثی از امام صادق نقل شده که فرمودند: «إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ يَا ابْنَ آدَمَ أَعْمَلْتَ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ فِيمَا مَضَى وَ لَا أَتِيكَ فِيمَا بَقِيَ وَ إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ. چون روز آید (بمردمان) گوید: ای فرزند آدم در این روز کار نیکی کن تا من در روز قیامت نزد پروردگارت برای تو گواهی دهم، زیرا من که در گذشته پیش تو نیامدم و پس از این هم نزدت نیایم، و شب هم هنگامی که آید همین سخن را گوید.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۱۹۳)

همچنین در حدیثی دیگر می فرمایند: مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ أَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَقُلْ فِي خَيْرٍ أَوْ أَعْمَلْ فِي خَيْرٍ أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا قَالَ وَ كَانَ عَلَى عِذَا أُمْسَى يَقُولُ مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَ الْكَاتِبِ الشَّهِيدِ أَكْتَبَا عَلَى اسْمِ اللَّهِ ثُمَّ يَذْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «(کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۵۴) - هیچ روزی نباشد که بر فرزند آدم درآید جز اینکه آن روز بدو گوید: ای پسر آدم من روز نوینی هستم و من بر تو گواهم، پس در من حرف خوب بزن، و کار خیر بکن تا در روز قیامت برایت گواهی دهم زیرا پس از این هرگز مرا نخواهی دید.

۶. گواهی قرآن

قرآن، این معجزه ی راستین و پویای پیامبر اکرم دارای ظواهر و بطن هایی است که باطن ملکوتی آن نیز در قیامت حضور پیدا می کند و به سخن آمده و بیان می کند که اشخاص به چه میزان با آن مأنوس بوده و به آن عمل کرده اند. این باطن روحانی و ملکوتی قرآن کریم را ممکن است هر فردی در دنیا درک نکند الا مقربان درگاه حق مانند کربلایی کاظم ساروقی.. این باطن نورانی جایگاه تجلی اش در روز قیامت است در حضور خداوند حاضر می شود و از کسانی که به آن عمل نکردند شکایت می کند و گواهی می دهد به این که چه کسانی به آن عمل کرده اند و چه کسانی به آن عمل نکرده و او را خار ساخته اند.

در کافی آمده است: « فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدِّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ - پس هر گاه آشوبها چون شب تار شما را فرا گرفت بقرآن رو آورید (و بدان چنگ زنید) زیرا آن است شفيعی که شفاعتش پذیرفته است (در باره کسی که بدان عمل کند) و گزارش دهنده است از بدبها که گفته اش (در باره آن

کس که بدان عمل نکرده) تصدیق شده است، هر که آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند و هر که (از آن پیش افتد) و آن را پشت سر خود قرار دهد بدوزخش کشاند.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۰۰)

۷. اعضا و جوارح

از دیگر شاهدان دادگاه الهی، اعضای بدن انسان هستند که آدمی به وسیله ی آنها اعمالش را انجام می دهد. شهادت دادن اعضا و جوارح انسان می تواند از مهمترین شهادت ها باشد؛ چرا که انسان با عضوی که مرتکب عملی شده است به عنوان شاهد روبرو می شود و دیگر جای سخنی گزاف یا انکار برای وی باقی نمی ماند. در آیاتی از قرآن مجید و روایات به این مطلب اشاره شده که در ذیل به بیان آن ها می پردازیم.

۱- آیه ی «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» - امروز بر دهانشان مهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند! (یس/۶۵)

در این آیه اشاره میکند که دهان ها را با مهر وادار به سکوت می کنند تا از کتمان کردن واقعیت جلوگیری شود و در عوض دهان ها دست هایشان سخن می گویند و پاهای آن ها به آنچه انجام داده اند شهادت خواهد داد.

در این آیه اشاره میکند که دهان ها را با مهر وادار به سکوت می کنند تا از کتمان کردن واقعیت جلوگیری شود و در عوض دهان ها دست هایشان سخن می گویند و پاهای آن ها به آنچه انجام داده اند شهادت خواهد داد.

در برخی روایات شهادت دادن اعضای بدن را مختص گنهکاران دانسته اند. مثلاً در کتاب کافی از امام باقر ع نقل شده است: «وَلَيْسَتْ تَشْهَدُ الْجَوَارِحُ عَلَىٰ مُؤْمِنٍ إِنَّمَا تَشْهَدُ عَلَىٰ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيُعْطَىٰ كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَأُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلُمُونَ فَتِيلًا»

اعضاء و جوارح علیه مؤمن گواهی ندهند، بلکه علیه کسی که فرمان عذاب بر او ثابت شده گواهی دهند.

و اما مؤمن نامه اش را بدست راستش دهند، خدای عز و جل فرماید: «اما کسانی که نامه آنها بدست راستشان داده شود، نامه خویش قرائت کنند و باندازه نخی ستم نبینند» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۳)

«شاید گواهی اعضا بخاطر آن باشد که این مجرمان هنگامی که به آنها گفته می شود کیفر شما در برابر اعمالی که انجام دادید دوزخ است به انکار برمی خیزند، به گمان اینکه دادگاه دنیاست، و حقایق از طریق پشت هم اندازی قابل انکار است، گواهی اعضا شروع می شود، و تعجب و وحشت سراسر وجود او را می گیرد و تمام راههای فرار به روی او بسته می شود.» (مکارم شیرازی، ج ۱۸: ۴۳۱)

۲- آیه ی «حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (فصلت/۲۰) وَقَالُوا لَجُلُودُهُمْ لِمَ شَهِدَتْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تَرْجَعُونَ (فصلت/۲۱) وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ» (فصلت/۲۲) - وقتی به آن می رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه می کردند گواهی می دهند. آنها به پوستهای تنشان می گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست شما اگر گناهانتان را مخفی می کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند.

در آیه ی ۲۰ سوره فصلت اشاره شده که درروز قیامت، گوش ها و چشم ها و پوست های تن به آنچه که بندگان انجام داده اند شهادت می دهند و هر آنچه که فرد انجام داده، اظهار می کنند.

در آیه ی ۲۱ اشاره شده که افراد به پوست هایشان به نشانه ی اعتراض می گویند که چرا بر علیه ما شهادت دادید؟ در جواب آن ها پوست آنها به سخن آمده و می گویند که نطق و شهادت دادن آن ها خواست خداوند است و خداوند به آن ها این قدرت را داده است. با سخن آن ها یکبار دیگر قدرت لا متناهی خداوند متعال به انسان ها یادآوری می شود و همچنین تاکید می کنند که بازگشت همه ی موجودات به سوی خداوند است.

از جمله آموزه های این آیات این است که شاید گناهایی که با پوست انجام می شود بیشتر است. و نکته ی دیگر اینکه گواهی اعضای بدن در روز رستاخیز به ضرر انسان و علیه اوست. (قرآنی، ج ۸: ۳۳۰)

از پیام هایی که از آیه ی ۲۲ سوره فصلت می توان دریافت این است که انسان ها بخاطر اینکه گمان نمی کنند که اعضای بدنشان بر علیه آن ها شهادت بدهند، در انجام گناه جسور تر می شوند. در حالی که نه تنها اعضای بدن اعتراف می کنند، بلکه خود خداوند متعال ناظر و گواه است.

-آیه ی «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نور/۲۴) - در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد! (نور/۲۴)

در روز رستاخیز و در حضور خداوند متعال و سایر شاهدان، زبان و دست ها و پاهای انسان ها شروع به اعتراف بر علیه صاحب خود می کنند، بعد از اینکه گناهکاران اقرار اعضای بدن خود را می بینند، ناچار به اعتراف می شوند.

« و اگر می بینیم در بعضی آیات قرآن اشاره به روز قیامت می فرماید: "امروز ما بر زبان آنها مهر می زنیم و دست و پایشان با ما سخن می گوید" (اليَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (سوره یس/ ۶۵) منافاتی با آیه مورد بحث ندارد چرا که ممکن است در آغاز زبانها از کار بیفتد و سایر اعضا شهادت دهند، و هنگامی که شهادت دست و پا حقائق را برملا کرد زبان به حرکت در آید و گفتنی ها را بگوید و به گناهان اعتراف کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۴۱۹)

- تجسم اعمال

یکی از مسائلی مرتبط با رستاخیز، تجسم اعمال است. مقصود از تجسم اعمال این است که تمامی اعمال انسان ها در روز قیامت بر آن ها ظاهر خواهند شد. به بیانی دیگر می توان گفت که پاداش و کیفر، نتیجه اعمال است که در دنیا تحقق پیدا کرده اند. می توان گفت که در آن روز عین اعمال است که ظهور می یابد، زیرا هر انسان در اثر نیت ها و اعمال، به ملکاتی نفسانی دست می یابد، سپس این ملکات، انسان را در گروه های شیطانی و حیوانی و فرشته ای تقسیم می کنند. این ملکات تا ابد همراه انسانند و در روز رستاخیز به صورت حقیقی خود ظاهر می شوند. در اینجا نکته ای شایان ذکر است که بعضی از آیات قرآن، ثواب و عقاب را عین عمل و دسته ی دیگر آیات، نتیجه ی عمل معرفی کرده است. می توان این تفاوت نظر را در این نکته دانست که گاهی اعمال به صورت ملکه نفسانی در نیامده باشد؛ در اینجا ثواب و عذاب به عنوان نتیجه ی عمل متجلی می گردد. در آیات زیر به صراحت اعلام شده که خود اعمال حقیق انسان در روز قیامت در مقابل او آشکار می شوند و ظهور پیدا خواهند کرد. (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۴۶۵). در تجسم اعمال به این معنا می توان گفت ما هر عملی انجام می دهیم و در قیامت ظهور آن را خواهیم دید. (مظاهری، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

-آیه ی «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ» (زلزال/۶) - در آن روز مردم به صورت گروه های مختلف از قبرها خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود.

خداوند متعال در آیه -در این آیه خداوند متعال بیان نکرده که نتیجه ی اعمالشان را می بینند. بلکه می فرماید خود اعمالشان بر آن ها عرضه می شود.

«يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ» کلمه "صدر" که فعل "یصدر" از آن مشتق شده به معنای برگشتن شتر از لب آب بعد از رفتنش بدانجا است. و کلمه "أشتات" مانند کلمه "شتی" جمع شتیت است، که به معنای متفرق است. و آیه شریفه جواب دوم است برای کلمه "اذا"، بعد از جواب اول یعنی آیه "يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا".

و مراد از "صدر شدن مردم در قیامت با حالت تفرقه"، برگشتن آنان از موقف حساب به سوی منزلهاشان که یا بهشت است و یا آتش می باشد، در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می شوند، تا اعمال خود را ببینند، جزای اعمالشان را نشانشان دهند، آن هم نه از دور، بلکه داخل در آن جزایشان کنند، و یا به اینکه خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال به ایشان نشان دهند. و بعضی از مفسرین گفته اند: مراد از صدور مردم، بیرون شدنشان از قبور به سوی موقف حساب است، و منظور از متفرق بودنشان، متمایز بودن آنان از نظر سیما است، بعضی با روی سفید، و برخی با روی سیاه بیرون می آیند، بعضی با حالت امنیت، برخی با حالت فزع، و همچنین تمایزهای دیگر که از جزای اعمالشان و نتیجه حسابشان خبر می دهد؛ اما صاحب تفسیر المیزان وجه اول یعنی خارج شدن آن ها از قبر - را به ذهن نزدیک تر و روشن تر می داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۸۳)

در تفسیر قمی در ذیل این آیه آورده شده است که: «مردم از جهت ایمان و کفر و نفاق متفرق و اشتات می آیند، بعضی مؤمنند و برخی کافر و جمعی منافق» (تفسیر قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۳۳)

صاحب تفسیر کاشف در تفسیر این آیه می نویسد: در روز قیامت، خداوند این جهان را به جهانی دیگر تبدیل می کند و آخرین مردم را به اولین آنان ملحق می کند، سپس آن ها با هر چه که دراند به جایی می روند که کیفر کردارشان را ببینند. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۸: ۱۵۷)

همچنین «لفظ لِيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ و لفظ «یره» در دو محل صریح است در اینکه انسان روز قیامت، اعمال خود را مشاهده خواهد کرد، نه جزای اعمال خود را این سخن حاکی از تجسم عمل است» (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۱۲: ۳۲۱)

نکاتی که بیان شد به خوبی به انسان می نمایاند که اعمال وی در روز قیامت تجسم پیدا خواهد کرد و ملازم و همنشین انسان می شوند. حال یا همنشینی عذاب آور و مایه ی شرمندگی مانند گناهان و بدی ها؛ یا همنشینی نیکو و مایه ی آرامش انسان خواهد بود.

نتیجه گیری:

آنچه در این پژوهش با استفاده از آیات متعدد قرآن و روایات معصومین به دست آمد، نشان می‌دهد انسان در دنیا حتی در خلوت‌ترین مکان خود تنها نیست؛ به طوری که کسی مراقب وی نباشد؛ بلکه به همراه انسان، موجودات فراوانی هستند که ناظر و شاهد اعمال و گفتار وی می‌باشند و آنچه را مشاهده نموده‌اند در روز رستاخیز و به هنگام حسابرسی اعمال آدمی، بدون هیچ کم و کاستی گواهی می‌دهند. از جمله این ناظران، خالق انسان؛ خداوند متعال، پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام به عنوان شاهدان خارج از انسان و اعضا و پوست وی به عنوان گواهان داخلی هستند. علاوه بر خداوند متعال، وجود شاهدان متعدد، حاکی از آن است که انسان گاه‌کار، هیچ راه فراری جهت عدم پذیرش کارهای زشت و ناپسند خود نداشته باشد. چنین انسان خطا کاری مجبور است به نتیجه اعمال خود اعتراف کرده و عذاب‌های غیرقابل تحمل را به جان بخرد.

مراجع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌ی مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه للصبحی صالح
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۸۵، علل الشرایع، ج ۳، قم، داوری
- ۴- بهبودی، محمدباقر، ۱۳۷۸، ج ۲، تهران، تدبری در قرآن ج ۲، سنا
- ۵- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۲، کلام نوین اسلامی، ج ۳، چاپ اول، قم، تعلیم و تربیت اسلامی
- ۶- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۷، تفسیر قرآن مهر، ج ۱ و ۱۲، چاپ اول، قم، پژوهش‌های علوم و تفسیر قرآن
- ۷- شوکانی، محمد علی، ۱۴۱۴ق، فتح القدیر، چاپ اول، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، دارالکلم الطیب.
- ۸- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، ترجمه‌ی تفسیرالمیزان، ج ۱۷ و ۱۸ و ۲۰، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- ۹- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۸، آغاز تا انجام، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب
- ۱۰- طبرسی، ابومنصور، ۱۳۸۱، الاحتجاج، ترجمه جعفری راد، بهداد، چاپ اول، تهران، اسلامیه
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۴، چاپ اول، تهران، فراهانی
- ۱۲- طهرانی، محمدحسین، ۱۴۲۳ق، معادشناسی، ج ۷، چاپ اول، مشهد، نورملکوت قرآن
- ۱۳- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ۱۴۱۵هـ ق، تفسیر الصافی، ج ۲، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدر
- ۱۴- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن
- ۱۵- قرائتی، محسن، ۱۳۶۳، معاد، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اسلامی
- ۱۶- قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۳۷۵، تفسیر احسن الحدیث، ج ۹، چاپ دوم، تهران، مرکز چاپ و نشر انتشارات بنیاد بعثت، قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر قمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب
- ۱۸- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، ۱۳۶۳، تفسیر خلاصه منهج الصادقین، ج ۱۰، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیه
- ۱۹- کلینی، ۱۳۶۲، الکافی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، اسلامیه
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، بحار الأنوار، ج ۳ و ۴، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الوفاء
- ۲۱- مظاهری، حسین، ۱۳۹۲، معاد سرنوشت جاودانه انسان، چاپ اول، اصفهان، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا
- ۲۲- مغنیه، جواد، ۱۳۷۸، ترجمه‌ی تفسیر کاشف، ج ۸، چاپ اول، قم، بوستان کتاب
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، ج ۱۴ و ۲۰، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه
- ۲۴- موسوی خمینی، بی تا، جهاد اکبر، تهران، پیام آزادی